

جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران در انتقال انرژی دریای خزر به بازارهای جهانی

حسن کامران دستجردی^۱، سلمان انصاری‌زاده^۲، فرشاد سوری^۳ و علی اصغر ستوده^۴

چکیده

محصور بودن کشورهای حوزه دریای خزر در خشکی و عدم دسترسی آنها به آبراه‌های بین‌المللی برای انتقال انرژی خود به بازارهای جهانی سبب شده است که انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی به یک مسئله منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود. برای انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی مسیرهای مختلفی پیشنهاد شده است که بیشتر از آنکه شرایط اقتصادی و فنی مدنظر قرار گیرد، تحت‌تاثیر ملاحظات سیاسی است. همواره کشور ایران به عنوان مناسب‌ترین گزینه انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی مطرح است ولی اجرایی شدن این پروژه با توجه به مخالفت‌های شدید آمریکا با چالش‌هایی روبه‌رو است. هدف مقاله حاضر مطالعه جایگاه دریای خزر در تأمین انرژی جهانی در قرن بیست‌ویک و ارائه راهکارهای برای انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی با توجه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران، در تقابل با مخالفت‌های آمریکاست. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انرژی دریای خزر از جایگاه ویژه‌ای در معادلات نظام جهانی برخوردار است و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران در تقابل با مخالفت‌های آمریکا از وزن بیشتری برخوردار است که در صورت دیپلماسی هوشمندانه ایران، طرح انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی از مسیر ایران به واقعیت خواهد پیوست.

کلیدواژگان: دریای خزر، ژئواکونومیک، ژئوپلیتیک، مسیرهای خط لوله انتقال انرژی، دیپلماسی.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه اصفهان

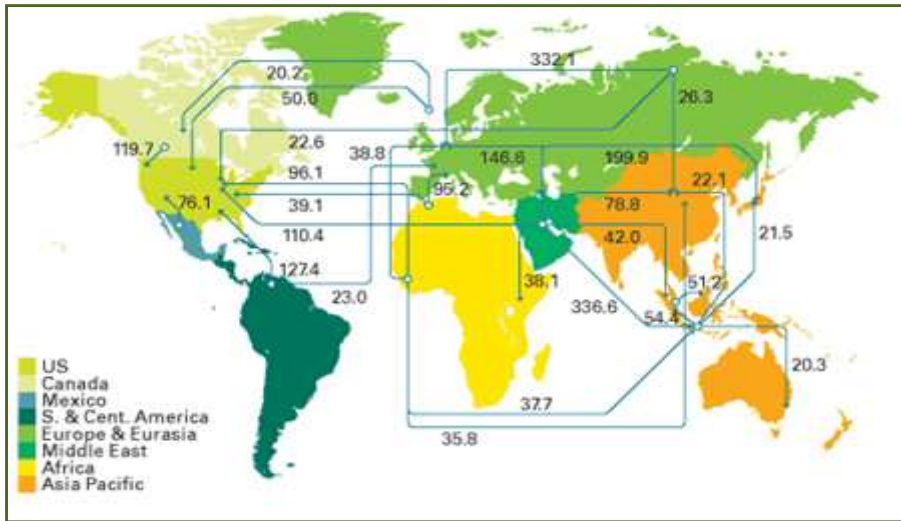
۴. دانشجوی روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

مقدمه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی ساختارهای فضایی و اقتصادی جهان دچار تغییر شد و زمینه‌ساز پیدایش جهانی نو با نظمی جدید گردید (Erich & Peter, 2008: 36). از مهمترین تحولات ژئوپلیتیکی عمده در حاشیه دریای خزر شکل‌گیری کشورهای تازه تأسیس بود که می‌توان آن را یک منطقه نوظهور ژئوپلیتیک نامید (Guy & Domand, 2009: 74). خلاء ناشی از فروپاشی شوروی و وجود منابع سرشار انرژی و مسایل مربوط به آن، سبب جلب توجه کشورهای فرمانطقه‌ای و سرازیر شدن شرکت‌های عمده سرمایه‌گذاری به این منطقه شد (ولی قلی‌زاده و ذکی، ۱۳۸۷: ۲۳). از این رو، بسیاری از تحولات این منطقه متأثر از عامل انرژی و مسایل مربوط به خطوط لوله نفت و گاز و سیاست‌های مربوط به انتقال آن است. اهمیت این منطقه بر بنیان‌های ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک استوار گشته و کشمکش‌های رقابت‌آمیز قدرت‌های بزرگ در منطقه خزر، جنبه‌های استراتژیک و نقش‌آفرینی را دو چندان ساخته است (کامران و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲ و Klare, 2009: 65). نیاز کشورهای حوزه خزر به بازارهای جهانی برای صادرات نفت و گاز از یک سو، و تأمین نیازهای این کشورها از طریق درآمدهای نفتی از سوی دیگر، سبب شده تا موضوع اصلی برای این دولت‌ها مسائل مربوط به صدور انرژی و ثبات منطقه‌ای باشد (Murphy, 2008: 25). از سویی، گذرگاه بودن یک کشور در انتقال انرژی یک منطقه به بازارهای جهانی می‌تواند جایگاه ویژه‌ای به آن کشور در معادلات جهانی و، همچنین، کنترل و مدیریت انرژی دهد، رقابت فشرده‌ای میان کشورهای منطقه و قطب‌های قدرت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۳۵) در راستای اجرایی شدن مسیرهای پیشنهادی آنها شکل گرفته است.

موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران بر سر گذرگاه اتصالی شمال به جنوب و کم هزینه بودن مسیر ایران به نسبت مسیرهای پیشنهادی دیگر برای انتقال انرژی خزر می‌تواند تأثیر بسزایی در افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، ولی امکان تحقق این راهکار تاکنون به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای و مخالفت‌های فرمانطقه‌ای، به ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا، ممکن نگردیده است؛ لذا، با چنین پیشینه‌ای محورهای اصلی پژوهش حاضر را این سؤال‌ها تشکیل می‌دهد که جایگاه دریای خزر در تأمین انرژی در جریان قرن بیست و یکم چیست؟ مسیرهای پیشنهادی صدور نفت و گاز این منطقه به جهان

مصرف کدام است و ایران چه جایگاهی در این پروژه دارد؟ راهکارهای صدور انرژی خزر از مسیر ایران به جهان مصرف با توجه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران در تقابل با مخالفت‌های امریکا چه است؟



(BP Statistical Review of World Energy, 2008)

نقشه ۱: روند تجارت عمده جهانی نفت (۲۰۰۸) میلیون تن

در زمینه پژوهش حاضر، تحقیقات و کنفرانس‌های زیادی صورت گرفته است که اکثر آنها به ابعاد اقتصادی این موضوع یعنی انتقال کم هزینه انرژی خزر از مسیر ایران به جهان مصرف توجه دارند ولی این پژوهش متکی بر ارائه راهکارهای سیاسی- اقتصادی با توجه به ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران در تقابل با مخالفت‌های امریکا است. روش تحقیق در این مقاله با توجه به نقش ژئوپلیتیک در شکل‌گیری این موضوع (تعامل جغرافیا و سیاست) توصیفی- تحلیلی است و با توجه به نیاز این پژوهش به آمارها و تحلیل‌های سازمان اطلاعات انرژی جهانی در جهت اهمیت انرژی خزر و موقعیت ایران در انتقال این منابع به جهان مصرف، ابزار گردآوری این پژوهش مبتنی بر منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای است.

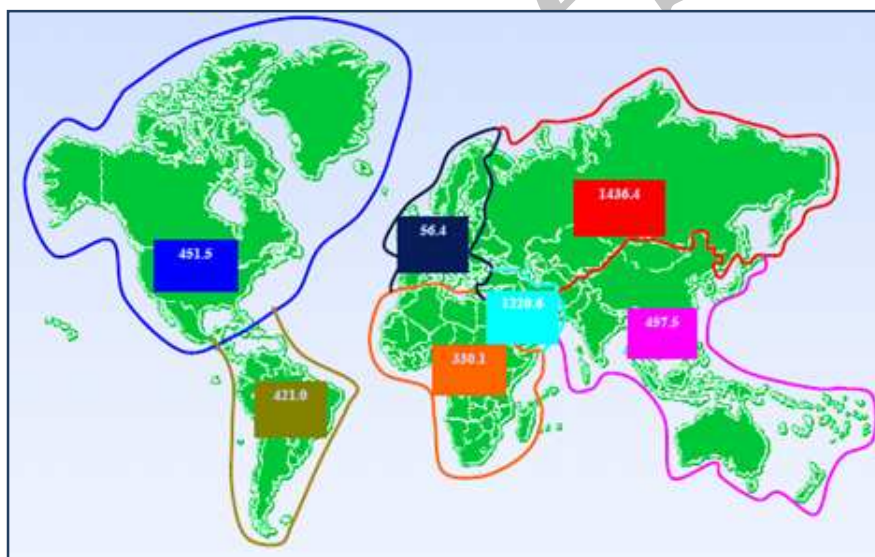
۱. ژئوپلیتیک نوین انرژی

در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، اقتصاد نقش برجسته‌تر از هر زمان دیگر یافته و ژئواکونومیک انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی گشوده است. به نظر می‌رسد منابع انرژی به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای ژئوپلیتیکی در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند انرژی، کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فرآوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل نموده است. زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن دارای سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست است (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۳ و مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۹۶).

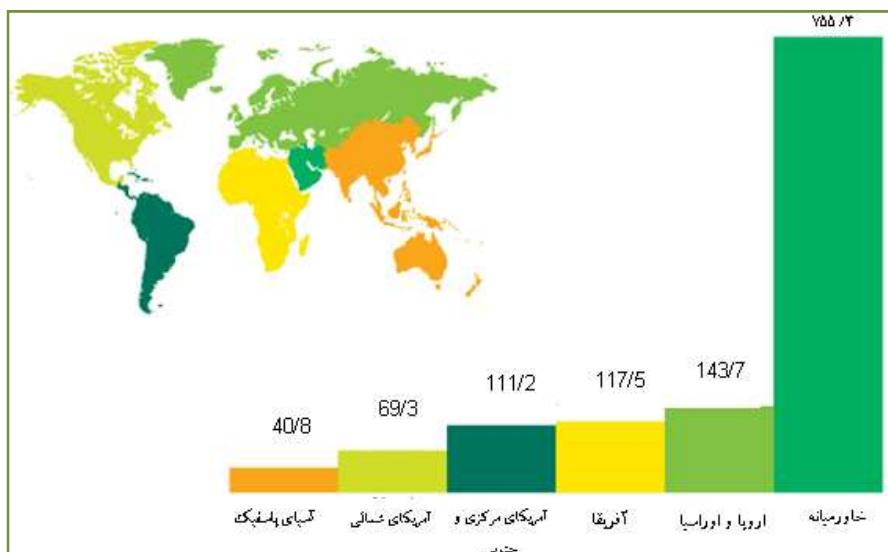
امروزه بازار جهانی انرژی دچار تغییر عمده‌ای شده است. نیاز فزاینده انرژی کشورهای صنعتی غربی (ایالات متحده و اتحادیه اروپا) و مصرف‌کنندگان جدید انرژی (چین و هندوستان) بخش عظیمی از مصرف ذخائر انرژی‌های فسیلی (نفت خام، گاز طبیعی، ذغال سنگ) را به خود اختصاص داده است (نامی و عباسی، ۱۳۸۸: ۵۲ و Cornell&nilsson, 2009: 52). چین بازارهای بین‌المللی انرژی را تحت فشار شدید گذاشته است، در خاورمیانه، آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای جنوبی، پکن به دنبال انرژی است. در زمینه اکتشاف انرژی، هند با چین همراه گردیده و ایالات متحده در حال از دست دادن جایگاه خود است (Onlish&ferench, 2008: 39). بخش عظیمی از ۱۹۳ کشور روی کره زمین، کشورهای وارد کننده انرژی هستند که کمبود مواد خام و انرژی دارند (klare, 2008: 12). علیرغم تلاش‌های گسترده برای دست یابی به انرژی نوین، انرژی‌های فسیلی همچنان جهت تأمین انرژی غیر قابل چشم پوشی هستند. از این رو محدوده هلال استراتژیک «خلیج فارس - دریای خزر» برای تأمین نفت و گاز دنیا اهمیت فراوانی پیدا کرده است (VonPetersdarf, 2009: 3 and Milov, 2008: 13).

۲. پتانسیل انرژی خزر

بر اساس مطالعات آماری از انرژی جهان^۱ در سال ۲۰۱۰، ذخائر اثبات شده نفت پنج کشور حوزه خزر (آذربایجان، ایران، ترکمنستان، روسیه، قزاقستان) در مجموع ۲۱۶.۷ میلیارد بشکه برآورد شده است. همچنین، مجموع ذخائر گاز منطقه حدود ۲۸۲۰/۵ تریلیون فوت مکعب تخمین زده شده است (EIA, 2010). پنج کشور حوزه خزر حدود ۱۹/۱ درصد از مجموع ذخائر اثبات شده نفت دنیا و ۴۸ درصد از مجموع ذخائر اثبات شده گاز دنیا را در اختیار دارند (amineh & houweling, 2009: 78). مدیران و تحلیلگران آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده در سال ۲۰۰۸ اعلام داشتند که ذخائر اثبات نشده دنیا در دو دهه آینده مضاعف خواهد شد، در این گزارش همچنین، ذکر گردیده که ذخائر کشورهای حوزه خزر تقریباً چهار برابر خواهد شد (Caruso & doman, 2009: 12).



نقشه ۲: پراکنش ذخائر اثبات شده گاز طبیعی در دنیا (تریلیون فوت مکعب)



(BP Statistical Review of World Energy, 2008)

نقشه ۳: ذخائر اثبات شده جهانی نفت بر حسب میلیارد بشکه

۱.۲. پتانسیل نفت خام دریای خزر

اغلب ملاحظات جهانی بر ذخائر هنگفت نفت در ساحل و درون دریای منطقه دریای خزر متمرکز است. قراردادهایی به ارزش میلیاردها دلار امضاء شده و سرمایه‌گذاری‌های مشترک جهت توسعه حوزه‌های نفتی منطقه منعقد شده‌اند (Energy Charter Secretariat, 2009). افزایش سرمایه‌گذاری و اکتشاف در منطقه به تولید بیشتر نفت منجر شده است و مقدار زیادی از نفت به دست آمده به بازارهای جهانی صادر شده است. منطقه دریای خزر و کشورهای ساحلی آن برای بازارهای جهانی انرژی اهمیت زیادی دارند زیرا این دریا و کشورهای ساحلی آن در دهه‌های آینده می‌توانند صادرکنندگان عمده نفت و گاز دنیا گردند. منطقه خزر تقریباً ۱۷-۴۹ میلیارد بشکه نفت در اختیار دارد (قالیباف و پوینده، ۱۳۸۶: ۵۴ و EIA, 2009).

جدول ۱: مجموع ذخائر اثبات شده نفت کشورهای حوزه خزر و (میلیارد بشکه)

کشور	مجموع ذخائر اثبات شده کشور		ذخائر اثبات شده منطقه خزر		پیش بینی برای منطقه خزر
	عمیق	کم عمق	عمیق	کم عمق	
آذربایجان	۹۶۱	۹۶۱	۹۶۱	۹۶۱	۹۶۱
ایران	۱۹	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
قزاقستان	۴/۳۰	۱/۲۴۵	۵/۴۹۰	۴/۱۵۰+۳/۹۹۰	۴/۱۵۰+۳/۹۹۰
روسیه	۸/۲۲۴	۴۱۸	۴۱۸	۴۱۸	۴۱۸
ترکمنستان	۸۳	۷۶	۲۳۴	۷۶	۸۴+۷۷
مجموع	۳۴/۴۵	۳/۹۵۴	۸/۰۶۳	۵/۲۸۷+۴/۳۶۳	۵/۲۸۷+۴/۳۶۳

(EIA, Caspian Sea region, Survey of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts, July 2009 and Oil and Gas Journal, World Proven Reserves of Oil, January 2009)

جدول ۲: تغییر ظرفیت فرضی مسیرهای صادرات نفت خزر (میلیون بشکه)

سال	۲۰۰۷	پیش از ۲۰۱۰	۲۰۱۰-۲۰۱۵	پس از ۲۰۱۵	مسیر
آتورائو-سامارا	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	
باکو-نوروسیسک	۷	۷	۷	۷	
BTC	۲۸	۶۲-۵۲	۶۲-۵۰	۸۰-۶۲-۵۰	
باکو-سویسا	-	۷	۷	۷	
CPC	۳۲	۳۲	۶۷-۴۰	۶۷	
سواپ نفتی ایران	۸	۱۰	۱۰	۲۰-۱۰	
باکو-باتومی (خط آهن)	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	
KCTS	-	-	۳۵-۲۳	۵۶-۳۵	
قزاقستان چین (فاز ۲)	-	۲۰	۲۰	۲۰	
در مرحله برنامه ریزی	-	-	-	-	
قزاقستان، ترکمنستان، ایران	-	-	-	۵۰	
آسیای مرکزی (قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان-پاکستان)	-	-	-	۵۰	

(kazmunay, Transnet, CPC, ABRIL, 2009)

۲.۲. پتانسیل گاز طبیعی حوزه خزر

پتانسیل گاز حوزه خزر نسبت به نفت بیشتر است. ذخائر گاز منطقه در حدود ۲۳۳ میلیارد فوت مکعب تخمین زده می‌شود. تولیدات گاز طبیعی آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان در سال ۲۰۱۰ حدود ۶/۲ میلیارد فوت مکعب بوده است. ترکمنستان بزرگترین صادرکنندگان گاز منطقه است و قزاقستان با توجه به کمبود زیرساختها، به نسبت تولیدات صادرات کمتری دارد (EIA, 2010). از سال‌های آخرین دهه ۱۹۹۰ تولید گاز از حوزه خزر با تولیدات اندک ترکمنستان آغاز شد. ترکمنستان در سال ۲۰۰۶ طبق توافقات سال ۲۰۰۵ حدود ۲۱۲ میلیون فوت مکعب به روسیه گاز انتقال داد. (Oil and Gas Journal, 2009 and Energy Information Administration: 2009).

جدول ۳: پتانسیل گاز تولیدکنندگان منطقه خزر (میلیارد مترمکعب)

شرح	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	مجموع
میزان استخراج	۴۳۰	۲۷۶	۲۰۵۰	۲۷۵۶
ذخائر	۱۳۷۹	۳۰۳۰	۴۰۵۰	۸۴۵۹
منابع	۱۹۴۰	۲۵۲۰	۶۵۰۰	۱۰۹۶۰
پتانسیل کلی	۳۸۰۰	۵۸۲۰	۱۲۵۰۰	۲۲۱۲۰
میزان استهلاك (مصرف تاکنون) (درصد)	۱۳	۶	۱۸	۱۷

(BGR: 2010, 27)

جدول ۴: تراز (واردات و صادرات) گاز حوزه خزر (۲۰۰۹) (میلیارد مترمکعب)

شرح	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	مجموع
استخراج	۶/۹	۲۶/۶	۶۸	۱۰۱/۵
واردات	۳	۱۰	۰	۱۳
مصرف	۱۲	۲۳	۱۷/۹	۵۲/۹
صادرات	۲	۱۶	۵۰/۹	۶۸/۹

(International Energy Agency, Natural Gas Information: 2009, Paris: 2009, 20)

جدول ۵: تراز (واردات و صادرات) گاز حوزه خزر (۲۰۲۰) (میلیارد مترمکعب)

شرح	آذربایجان	قزاقستان	ترکمنستان	مجموع
استخراج	۴۸/۲	۷۵/۱	۱۵۶/۳	۲۷۴/۲
واردات	۰	۰	۰	۰
مصرف	۱۶/۲	۳۳/۱	۲۶/۲	۷۵/۵
صادرات	۳۲/۳	۴۲/۳	۱۳۰/۲	۲۰۴/۸

(Diskussionspapiere der Swp August: 2010)

کشورهای شرقی دریای خزر بخش عظیمی از تولیدات گاز خویش را از طریق خط لوله (CAC)^۱، که به شبکه خطوط لوله گاز روسیه متصل می‌گردد، انتقال می‌دهند. ظرفیت این خط لوله در سال ۲۰۰۹ به شش میلیارد فوت مکعب رسید. گاز طبیعی از طریق سیستم انتقال گازپروم به اروپا و بازارهای بین‌المللی منتقل می‌شود. برای متنوع‌سازی مسیرهای صادرات، تعدادی خط لوله گاز در آسیای مرکزی طراحی شده‌اند. آسیای مرکزی همچنین چندین خط لوله داخلی نظیر تاشکند-بیشکک-آلماتی جهت ارائه به مشتری‌های درون منطقه دارد (RPI, 2009: 12).

جدول ۶: مسیرهای خطوط لوله حوزه خزر (میلیارد مترمکعب)

علامت اختصاری	مسیر	ظرفیت	تاریخ طراحی و عملیات
CAC	ترکمنستان- ازبکستان- قزاقستان- روسیه-اوکراین و بلاروس	۴۵-۹۰	۱۹۷۰ (۲۰۱۴)
CAC	ترکمنستان- قزاقستان- روسیه	۲-۱۰	۱۹۷۴ (۲۰۱۰)
---	ترکمنستان- قزاقستان- چین	۳۰	۲۰۰۹
---	ترکمنستان- ایران- ترکیه	۸	۲۰۰۶/۱۹۹۷
TAPI	ترکمنستان - افغانستان- پاکستان- هندوستان	۳۰	نامشخص
TCP	ترکمنستان- دریای خزر- آذربایجان	۱۰	نامشخص
---	قزاقستان- چین	۳۰	۲۰۰۹
SCP	آذربایجان- گرجستان- ترکیه	۱۶	۲۰۰۷

(Kazmunay, Transnet, CPC, ABRIL2009)

1. Central Asia Center

کشورهای صادرکننده گاز حوزه خزر شامل آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان هستند. این کشورها به عنوان مناطق جدید عرضه‌کننده گاز طبیعی به ترتیب: قزاقستان (۱۳ درصد)، ترکمنستان (۱۹ درصد) و آذربایجان (۷ درصد) هستند (Cera, 2009).

۳. مسیرهای انتقال خطوط انرژی خزر به بازارهای جهانی

پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، دریای خزر به دریای تعارض و تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. منطقه‌ای که تا چند سال پیش از مناطق آرام و خفته ژئوپلیتیکی به حساب می‌آمد، امروزه فعال شده و کشورهای واقع در آن به تدریج از انزوی جغرافیایی درآمده و به دنبال ایفای نقشی مهم در عرصه بین‌المللی هستند. بحث دربارهٔ انتخاب مسیر خطوط لوله انتقال انرژی کشورهای حاشیه خزر در سال‌های گذشته برخلاف ماهیت اقتصادی موضوع، به یک موضوع تنش برانگیز سیاسی تبدیل شده است (Cornell & Nilsson, 2008: 11) چنانکه از آن به سیاست خطوط لوله در منطقه خزر تعبیر می‌شود. در این راستا به گفته تحلیل‌گران یک «بازی بزرگ جدید» جهت کنترل بر منطقه خزر آغاز گشته است. در این بازی بزرگ نوین که در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در جریان است برخلاف بازی بزرگ قرن نوزدهم که بازیگران آن فقط انگلیس و روسیه بودند، بازیگران متعددی شرکت دارند. بطوریکه علاوه بر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شرکت‌های نفتی هم به آن اضافه شدند. ماهیت این بازی جدید در حوزه دریای خزر دارای دو جنبه است. ۱- کنترل بر تولید نفت و گاز منطقه خزر؛ ۲- کنترل بر خط لوله‌ای که نفت را به بازارهای غربی منتقل خواهد نمود (کولایی، ۱۳۸۴: ۴۸).

الف) مسیر غربی

مسیر غرب نفت و گاز دو کشور آذربایجان و ترکمنستان را از طریق ترکیه و گرجستان (دریای سیاه) به اروپا منتقل می‌کند و مورد حمایت ایالات متحده، ترکیه، آذربایجان و گرجستان است. خط لوله نفت باکو- نوورسیسک (۱۵۰۰ کیلومتر)، خط لوله باکو- سوپسا (۹۲۰ کیلومتر)، خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان (۱۷۳۰ کیلومتر)، خط لوله نفت تنگیز-

نووروسیسک (۱۶۰۰ کیلومتر)، خط لوله باکو-ارزروم و کنسرسیوم خط لوله خزر مهم‌ترین خطوط انتقال انرژی از مسیرهای غربی به شمار می‌روند (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

ب) مسیر شمالی:

این مسیر نفت و گاز قزاقستان و آذربایجان را از طریق دریای سیاه منتقل می‌کند و از طرف روسیه حمایت می‌شود. خط لوله این مسیر با نام آتیرو-سامارا به طول ۶۹۵ کیلومتر است که از بندر آتیرو در قزاقستان شروع و به سامارا در روسیه می‌رود و از طریق خطوط داخلی روسیه به کشورهای روسیه سفید، لهستان و مجارستان می‌رسد. این مسیر به دلیل وابسته کردن کشورهای آسیای مرکزی به فدراسیون روسیه جذابیتی برای این کشورها نداشته و این کشورها در تلاش هستند تا با استفاده از مسیرهای دیگر، از این وابستگی رهایی یابند. از آنجا که این راه از سرزمین ناامن چین یا نزدیکی آن می‌گذرد، راهی کم و بیش نامطمئن و همراه با ریسک بالا برای انتقال نفت آذربایجان است (جلالی، ۱۳۸۴: ۲۲۰).

ج) مسیر شرقی:

نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان از این مسیر به شرق چین منتقل می‌شود که چین از آن حمایت می‌کند. خط لوله قزاقستان-سین کیانگ به طول ۳۰۰۰ کیلومتر، مسیر شرقی خطوط انتقال انرژی به کشور چین و بازارهای شرق آسیا است. این خط لوله باعث افزایش ضریب نفوذ چین در استفاده از منابع غنی انرژی منطقه دریای خزر شده و به رشد اقتصادی این کشور کمک شایانی کرده است (سنایی، ۱۳۸۴: ۱۷).

چ) مسیر جنوب شرقی:

این مسیر از ترکمنستان آغاز می‌شود و پس از گذر از افغانستان در خاک پاکستان ادامه می‌یابد تا به بندرهای آن کشور برسد. در سال ۱۹۹۷ ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و ازبکستان یاداشت تفاهمی در این زمینه امضا کردند. اگر این خط، لوله‌گذاری شود توان انتقال روزانه یک میلیون بشکه نفت را دارد. طول این خط لوله، ۱۶۷۳ کیلومتر خواهد بود و هزینه آن ۲/۵

میلیون دلار برآورد شده است. این راه از نظر جغرافیایی اجرا شدنی است اما از نظر سیاسی چون باید از خاک افغانستان بگذرد با مشکلاتی مواجه است. از سوی دیگر نامنی کامل در بلوچستان پاکستان و وجود باندهای قاچاق مواد مخدر، امنیت این خطوط لوله را به خطر خواهد انداخت (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۳).

۵) مسیر جنوبی:

یکی از مسیرهای که برای انتقال انرژی حوزه خزر وجود دارد مسیر جنوب است. یعنی نفت و گاز از میدانهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان جمع آوری شده و به بازار خلیج فارس و دریای عمان انتقال پیدا می کند. جمهوری اسلامی ایران در این مورد دو پیشنهاد ارائه داده است. ۱. سیستم معاوضه (سوآپ)؛ ۲. سیستم انتقال مستقیم (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۴).



نقشه ۴: مسیرهای پیشنهادی موجودی انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی

(EIA, Country Analysis Briefs, Caspian Sea, october 2010)

۳.۱. بررسی وضعیت مسیرهای پیشنهاد شده

در جهت بررسی وضعیت مسیرهای پیشنهاد شده می‌توان استدلال کرد که انتقال منابع انرژی کشورهای منطقه از حالت اقتصادی بیرون آمده و به مسئله سیاسی و ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. بنابراین می‌بینیم که تعیین مسیر انتقال نفت و گاز خزر تحت تأثیر ملاحظات و علایق سیاسی، نفوذ خارجی و رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که مشکل دیپلماسی خطوط لوله در این است که باید دربر گیرنده تمام منافع متضاد سیاسی و تجاری در خود باشد. از یک طرف شرکت‌های بزرگ نفتی خواهان بهترین و ارزانه‌ترین مسیر به بازارهایی هستند و از طرف دیگر دولتمردان و قدرت‌های ذینفوذ از آن بیم دارند که مبادا این خطوط با عبور از یک کشور، نفوذ این کشور را به نحو چشمگیری افزایش دهند. بنابراین، دشواری که بر سر احداث خطوط لوله وجود دارد این است که میان منافع تجاری و استراتژیک هر یک از بازیگران، تعارض وجود دارد که باید برای سازش دادن آن راه‌حلی پیدا کرد (کولایی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶: ۷۴).

اصولاً هر کشوری که بر خطوط لوله کنترل داشته باشد، توان اعمال نفوذ در منطقه را نیز خواهد داشت، موضوعی که سبب شکل‌گیری رقابت در منطقه شده است. چنانچه در سال‌های اخیر رقابت فشرده‌ای میان دو محور شمالی-جنوبی (ایران و روسیه) با محور شرقی-غربی (آمریکا و ترکیه) بر سر مسیر انتقال انرژی در جریان بوده است. سیاست ایالات متحده حمایت از مسیرهای شرقی-غربی موسوم به جاده ابریشم جدید است که در این بین ایران و روسیه در این بازی جایی ندارند (امیر احمدیان، ۱۳۸۸: ۸۲-۷۹). همچنین این سیاست با منطلق اقتصادی شرکت‌هایی که در قضیه مشارکت دارند در تعارض می‌باشد. به همین خاطر این امر به صورت مانعی در راه احداث خطوط لوله نفت و گاز درآمده است (امیر احمدی، ۱۳۸۰: ۱۶۶). ایالات متحده بدنبال کنترل مسیرهای متفاوت خطوط انتقال نفت و گاز برای توسعه نفوذ خود در منطقه است و در این میان رابطه نزدیکی با کشور ترکیه برقرار کرده است که آن را تحت عنوان مشارکت استراتژیک یاد می‌کنند (افضلی و حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). در مقابل روسیه نیز به دنبال آن است که بیشترین میزان نفت دریای خزر از قلمرو او بگذرد. ایران نیز با ادعای داشتن قلمرو امن و ارزان، مسیری مطلوب را پیشنهاد می‌کند که با مخالفت جدی آمریکا مواجه می‌شود (امیر

احمدیان، ۱۳۸۶: ۵). در واقع آمریکا و ترکیه خواهان احداث خط لوله غربی - شرقی با مشارکت کشورهای آذربایجان، گرجستان و ترکیه هستند. اما روسیه خواهان حفظ و کنترل نفوذ خود بر مسیر خطوط لوله انتقال انرژی از سمت شمال است. در این میان ایران برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر موجود محسوب می‌شود. مسیر ایران از هر لحاظ برای احداث خط لوله مناسب است (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۵). چرا که ایران کشوری با ثبات در منطقه است که به آب‌های آزاد دسترسی دارد و همچنین با دو کشور آذربایجان و ترکمنستان مرز مشترک دارد و در ضمن دارای زیر ساخت‌های مناسب ارتباطی و صنعتی می‌باشد. همچنین ملاحظات زیست محیطی نیز انتخاب مسیر ایران را جذاب می‌سازد. به همین سبب ایران نیز در تلاش است که همکاری‌هایش را با کشورهای منطقه افزایش دهد تا از این طریق منافع خود را در منطقه تأمین نماید.

ایران با توجه به اینکه یکی از پنج کشور حوزه خزر است، همچنین، با نگاه به مرزهای دریایی که در دریای عمان و خلیج فارس دارد و نیز وضعیت مناسب مسیرهای انتقال نفت که از ایران می‌توانند عبور نمایند، می‌تواند به عنوان یک مسیر ترانزیت موثر و باصرفه از حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی مطرح شود. برای مثال ترکمنستان علاقمند است که گاز خود را به پاکستان و ترکیه صادر نماید و ایران بهترین مسیر به لحاظ جغرافیایی برای ارسال گاز ترکمنستان به پاکستان و ترکیه است (منصوره، ۱۳۸۷: ۱۹). راه‌های جایگزین که به لحاظ اقتصادی باصرفه هستند به جهت مشکلات پیچیده سیاسی با موانعی روبه روهستند. جهت فروش گاز ترکمنستان به غیر از مسیر پاکستان، مسیر جایگزین آذربایجان-گرجستان یا آذربایجان-ارمنستان مطرح است. اما عبور خط لوله از دو مسیر ذکر شده به دلیل مشکلاتی از قبیل عدم توافق بر سر هزینه‌های انتقال، موانع طبیعی در گرجستان و مخالفت ترکیه با انتقال خطوط لوله از خاک ارمنستان تقریباً غیرممکن است (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۰۵). به طور کلی، مسیر جنوبی از ایران با توجه به سه عامل امنیت، طول مسیر و هزینه سرمایه‌گذاری احداث خط لوله و حق ترانزیت نسبت به مسیرهای چهارگانه شرقی، جنوب شرقی، شمالی و غربی جذاب‌تر و باصرفه‌تر است.

در رابطه با طرح سوپ ایران می‌توان به این نتیجه رسید که این طرح علاوه بر درآمد اقتصادی از ابعاد دیگر نیز می‌تواند برای اقتصاد ایران مؤثر باشد که این منافع عبارتند از:

- صرفه‌جویی در انتقال نفت و خزر و گاز طبیعی از طریق لوله از جنوب کشور به شمال آن.
- شکوفایی اقتصادی مناطق محل عبور خطوط لوله که امکانات زیادی برای آن مناطق فراهم می‌کند.
- تأمین منافع سیاسی-امنیتی از طریق توسعه نفوذ در کشورهای صادرکننده نفت و گاز از مسیر ایران و تبدیل آنها به دوست.
- گسترش روابط اقتصادی و دستیابی به بازار مصرف آن کشورها برای فروش تولیدات داخلی (منصوره، ۱۳۸۷: ۹۱)

علاوه بر موارد ذکر شده بالا، نتایجی مثل جایگاه اقتصادی بهتر، امنیت بیشتر، همگرایی و همکاری منطقه‌ای مناسب‌تر از پیامدهای عبور نفت و گاز از ایران است که می‌تواند به ارتقاء جایگاه ایران در معادلات سیاسی و اقتصادی نظام بین‌الملل کمک شایانی کندولی در ایفای یک نقش کارساز در جلب فرصت‌های ترانزیت انرژی منطقه، دستگاه سیاست خارجی این کشور با مشکلات و موانعی روبرو بوده است که مهمترین آنها رقابت فشرده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تحریم‌های ایالات متحده بر علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است.

۳.۲. راهکارها برای جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در راستای اجرایی شدن مسیر پیشنهادی خویش در رابطه با انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی باید دیپلماسی فعالی را در پیش بگیرد و به موارد ذیل توجه نماید. جمهوری اسلامی ایران باید با در پیش گرفتن یک دیپلماسی هوشمندانه و تأکید بر همکاری با کشورهای حوزه خزر در عرصه‌های مساعد اقتصادی و سیاسی، رقابت‌ها موجود میان ایران و کشورهای منطقه ای را به همکاری تبدیل کند.

علاوه بر مقابله با فشارهای آمریکا، جلب نظر دولتهای منطقه برای همکاری نیز وظیفه دشواری است که در مقابل سیاست خارجی ایران قرار دارد. در آسیای مرکزی با دولت‌هایی مواجه هستیم که

موضع‌گیری‌های آنان در بعضی موارد به طور کامل با دیدگاه‌های ایران متفاوت است. بسیاری از دولت‌ها آماده‌اند تا منافع راهبردی ایالات متحده در کشور خود را تضمین نمایند. برخی حتی در حال پی ریزی روابط وسیعی با اسرائیل هستند؛ لذا، موضوع مهم برای ایران نه فقط منابع اقتصادی بلکه، منافع امنیتی نیز می‌باشد. در چنین شرایط تنها راهکار مناسب تلاش برای افزایش نفوذ و حضور در منطقه خزر است. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر گردید، دیپلماسی ایران و آسیای مرکزی با مسائلی بیش از گسترش روابط اقتصادی و ترانزیتی روبرو است و مسائل امنیتی هم اهمیت ویژه‌ای دارند. دیپلماسی ایران بخش قابل توجهی از تلاش‌های خود را بر پیش شرط «رژیم حقوقی دریای خزر» متمرکز کرده است و این در شرایطی است که دیگر دولت‌های ساحلی بدون توجه به این مسئله به انعقاد قرار دادهای کلان بهره‌برداری از منابع انرژی می‌پردازند. جمهوری اسلامی ایران باید با در پیش گرفتن یک دیپلماسی فعال در ارتباط با کشورهای حاشیه دریای خزر و شرکت‌های فراملیتی ذینفع در حوزه انرژی، اعتماد آنها را برای انتقال انرژی این کشورها به بازارهای جهانی از مسیر ایران جلب نماید و ارتباط خود را با این کشورها در زمینه همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، صنعتی و... گسترش دهد تا بتواند از این ارتباط‌ها به عنوان یک ابزار نفوذ استفاده کند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق به تجزیه و تحلیل جایگاه خزر در معادلات انرژی جهانی و همچنین جایگاه ایران در انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی با توجه به نظریات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی پرداخت و نتایج ذیل حاصل آمد. با توجه به اهمیت انرژی‌های فسیلی (به خصوص نفت و گاز) در معادلات انرژی جهان، حداقل تا چند دهه آینده به دلیل هزینه بالای انرژی‌های جایگزین (هسته‌ای، باد و خورشیدی) در مقابل انرژی‌های همچون نفت و گاز و تمام شدن ذخایر انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز) در دیگر نقاط جهان، نفت و گاز دریای خزر از جایگاه ویژه‌ای در ژئوپلیتیک نوین انرژی در سال‌های آتی برخوردار خواهد شد. از طرف دیگر انتخاب مسیر انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی به دلیل رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به یک مسئله بین‌المللی و ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. مسیر ایران برای انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی به نسبت مسیرهای پیشنهادی دیگر از یک سری برتری‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برخوردار است که به دلیل مخالفت‌های آمریکا

و تحریم‌های این کشور بر علیه جمهوری اسلامی ایران، این مسیر همچنان اجرایی نشده است و جمهوری اسلامی ایران برای اجرایی شدن مسیر پیشنهادی خویش و طرح سوآپ (معاوضه انرژی) باید دیپلماسی فعالی را در پیش بگیرد تا بتواند با جلب نظر کشورهای حوزه دریای خزر، اعتماد آنها را در اجرایی شدن طرح خویش جلب نماید و سیاست‌های امریکا را در منطقه ختی کند. این دیپلماسی باید علاوه بر مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی و امنیتی را در پیش بگیرد تا بتواند رقابت‌ها را تبدیل به همکاری در عرصه‌های مساعد نماید.

Archive of SID

منابع

۱. ابراهیمی، محمد (۱۳۸۴): استراتژی انرژی روسیه: ظرفیت‌ها و اقدامات، انتشارات مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۲. ابوطالبی، مرتضی (۱۳۷۹): خطوط انتقال نفت و گاز در آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۵.
۳. افضل‌لی، رسول و حسنی، مجید (۱۳۸۷): بررسی و تحلیل تحولات ژئوپلیتیکی ترکیه و تاثیر آن بر ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره اول.
۴. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱): ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۵. امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۰): ایران و دریای خزر در چشم اندازی ژئوپلیتیک، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
۶. امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۸)، بررسی علل و پیامدهای حضور ایالات متحده در قفقاز، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.
۷. پورموسوی، سید موسی (۱۳۸۳): نگاهی به تحولات ژئوپلیتیکی حوزه‌ی دریای خزر، جغرافیای نظامی و امنیتی، سال دوم، شماره اول.
۸. جلالی، محمدرضا (۱۳۸۴): ذخایر هیدروکربنی دریای خزر، خطوط لوله نفت و گاز، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌الملل آسیای مرکزی و قفقاز، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۹. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹): تعریفی نو از ژئوپلیتیک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۵۹ و ۵۸.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۸): اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات استان قدس رضوی.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۴): ژئوپلیتیک، یک بررسی فلسفی، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول.
۱۲. درخشان، فرهاد (۱۳۸۴): جغرافیای تولید، انتقال و مصرف انرژی، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵۵.
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹): سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.
۱۴. سنایی، مهدی (۱۳۸۴): منابع انرژی محور عمده رقابت و همکاری در آسیای مرکزی، خزر و قفقاز، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

۱۵. قالیباف، محمدباقر و پوینده، هادی (۱۳۸۶)؛ تحلیل اطلاق مفهوم بیضی استراتژیک انرژی بر حوزه دریای خزر و خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره دوم.
۱۶. طباطبائی، زهرا (۱۳۸۳)؛ تحلیل ژئوپلیتیکی مسیرهای انتقال انرژی دریای خزر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. عزتی، عزت‌اله و ویسی، هادی (۱۳۸۵)؛ تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خط لوله گاز ایران و هند، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم.
۱۸. کامران، حسن، احمدی‌پور، زهرا و ولی‌قلی‌زاده، علی (۱۳۸۹)؛ بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای، فصلنامه جغرافیا، شماره ۲۷.
۱۹. کولایی، الهه (۱۳۸۷)؛ ژئوپلیتیک انتقال نفت و گاز قفقاز، مجله مطالعات اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره دوم.
۲۰. کولایی، الهه (۱۳۸۴)؛ بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی زمینه‌ها و چشم‌اندازها، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۱. محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۴)؛ چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در محیط پیرامونی خزر، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌الملل و وزارت امور خارجه.
۲۲. مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹)؛ امنیت انرژی و موقعیت ژئوآرژوی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم.
۲۳. منصوره، رام (۱۳۸۷)؛ چشم‌انداز توسعه نفت و گاز خزر و منافع ایران، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۱.
۲۴. نامی، محمدحسین و عباسی، علیرضا (۱۳۸۸)؛ تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.
۲۵. ولی‌قلی‌زاده، علی و ذکی‌یاشار (۱۳۸۷)؛ بررسی و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ایران برای کشورهای CIS، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.

26. BGR, Energy study, (2010). Überblick Kernbrennstoffe. In: <http://www.bgr.Bund>.

27. BP Statistical Review of World Energy, June 2008.

28. BP Statistical Review of World Energy, Natural Gas Market Review, 2008.

29. Cornell, Svante E. & Nilsson, Niklas, (2009), Europe's Energy Security, Gazprom's Dominance and Caspian Supply Alternatives, Washington D.C/Stockholm.

30. EIA, (2009), "US and Central Asian Roles in Global Energy Markets". US-Turkmenistan Energy Roundtable, Washington, DC, September.
31. EIA, (2010), Country Analysis Briefs, Caspian Sea.
32. Energy Charter Secretariat, (2009), Oil flows and export capacity in the Caspian Sea and Black Sea regions, Brussels.
33. Energy Charter Secretariat, (2010), "Putting a Price on Energy". International price mechanisms for Oil and Gas. Brüssel, in: <http://www.encharter.org/index.php?id=218>.
34. Energy Charter Secretariat, (2008), Oil flows and Export Capacity in the Caspian Sea and Black Sea regions, Brussels.
35. Energy Information Administration, (2009), Country Analysis Briefs Azerbaijan, in: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Azerbaijan/pdf.pdf>.
36. Energy Information Administration, (2009), Country Analysis Briefs, Kazakhstan. In: <http://www.eia.doe.gov/cabs/Kazakhstan/pdf.pdf>.
37. Energy security, (2010), IEA, Energy security, (2010), IEA.
38. Erich Reiter & Peter Hazdra, (2009) The Impact of Asian Powers on Global Developments, Heidelberg-New York.
39. Guy F. Caruso & E. Doman, Linda, (2009), Global Energy Supplier and the U.S. Market, Economic Perspectives.
40. Klare, Michael, (2009), Resource Wars. The New Landscape of Global Conflict, New York Henry Holt & Company.
41. Klare, Michael, Rosenthal, Joel, (2008), Rising Powers, Shrinking Planet: The New Geopolitics of Energy, New York Henry Holt & Company.
42. Lieberthal, Kenneth & Herberg, Mikkal, (2009), China's Search for Energy Security, Implications for U.S. Policy, NBR-Analysis.
43. Milov, Vladimir, (2009), the EU-Russia Energy Dialogue: Competition versus Monopolies, IFRI, Paris.
44. Murphy, David, (2008), Asia's Pipeline Politics, FEER.
45. Onishi, Norimitsu & French, Howard, (2008), Chinese Warships Remind Japanese on Challenge, New York Times.
46. P. Amineh, Mehdi, (2009), Die Politik Der USA, der EU und Chinas in Zentralasien.
47. RPI, (2009), FSU Oil and Gas Statistic Yearbook, Oil and Gas Journal.
48. Statistics, (2010), from <http://www.Eia.Dog.Gov>
49. Von Petersdorff, Winand, (2009), Energie von Schurken, Frankfurter Allgemeine Sonntagszeitung.